

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۶ دسمبر ۲۰۲۱

اشک تمساح خامنه‌ای در رابطه با فرار مغزها از ایران!

حکومتی که کسب و کار دایمی‌اش آدم‌کشی و خصومت و دشمنی با هرگونه آزادی‌های فردی و جمعی و حتی شادی خشک و خالی مردم است رهبرش از فرار مغزها می‌نالند و اشک تمساح می‌ریزد. اشک تمساح اصطلاحی است برای بیان کنایه‌آمیز تأسف‌ها و اشک‌های ریاکارانه. این عبارت برگرفته از یک باور قدیمی است که تمساح‌ها هنگام خوردن طعمه خود اشک می‌ریزند و به همین دلیل در بسیاری از زبان‌های مدرن وجود دارد. عبارت اشک تمساح در یکی از نمایش‌نامه‌های شکسپیر نیز ذکر شده است. در حالی که آمارها همواره نشان از افزایش پی در پی نرخ مهاجرت از ایران دارد، آیت‌الله علی خامنه‌ای در یک سخنرانی در تهران تشویق جوانان به مهاجرت از ایران را «خیانت» توصیف کرده است. خامنه‌ای: «در بعضی از دانشگاه‌ها عناصری هستند که جوان نخبه را تشویق می‌کنند به ترک کشور، من صریح می‌گویم این خیانت است، این خیانت است، این دشمنی با کشور است، دوستی با آن جوان هم نیست.» آیت‌الله خامنه‌ای، «نخبگی را موهبت و نعمتی الهی خواند» و افزود: «استعداد و ظرفیت ذهنی تنها شروط تحقق نخبگی نیست بلکه باید با شکرگزاری و قدرشناسی این نعمت، و با کار و تلاش و همت و مجاهدت، استعداد و ظرفیت را به نخبگی تبدیل کرد.»

خامنه‌ای پس از چهل و سه سال سرکوب آزاداندیشی و فرهنگ مردمی ریاکارانه از فرار مغزها می‌نالند. کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی پیش از این گفته بود ۹۰۰ استاد دانشگاه در سال ۹۸ از ایران مهاجرت کرده‌اند.

سال گذشته معاون آموزشی وزیر بهداشت اقرار کرده بود که ایران رتبه دوم فرار مغزها در جهان-مهاجرت سالانه ۱۸۰ هزار متخصص تحصیل‌کرده از کشور

لاریجانی گفته بود: ایران رتبه دوم فرار مغزها در جهان را دارا است و سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار متخصص تحصیل‌کرده از کشور مهاجرت می‌کنند.

لاریجانی با اشاره به این‌که کشور ایران رتبه دوم فرار مغزها در جهان را دارا است، گفت: سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار متخصص تحصیل‌کرده از کشور مهاجرت می‌کنند و لازم است برنامه‌ریزی جدی برای استفاده از این ظرفیت‌ها در داخل کشور صورت گیرد.

با وجود تناقض‌گویی‌های شدید سران و مقامات جمهوری اسلامی در مورد فرار تحصیل‌کردن ممتاز و کادرهای متخصص از کشور، آمار نشان‌دهنده واقعیت وحشتناک قرار گرفتن ایران در صدر لیست کشورهایی است که با پدیده فرار مغزها دست به‌گریبانند. آمار زیر گوشه‌ای از واقعیت‌های فرار مغزها از ایران را نشان می‌دهد:

ایران از نظر فرار مغزها در صدر کشورهای جهان قرار دارد، حدود ۲۵ درصد از کل ایرانیان تحصیل کرده هم‌اکنون در کشورهای توسعه یافته زندگی می‌کنند. طبق آمار صندوق بین‌المللی پول، سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ایرانیان تحصیل‌کرده برای خروج از ایران اقدام می‌کنند و ایران از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته جهان مقام اول را از آن خود کرده است. خروج سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالی از این کشور معادل خروج ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه سالیانه از این کشور است. (رادیو فردا، ۳۰ تیرماه ۱۳۹۶) طبق آمارهای رسمی نسبت خروج فارغ‌التحصیلان از ایران به تعداد کل این افراد، ۱۵ درصد است. (خبر آنلاین، ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۲) طبق گزارش مجله اکونومیست و بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول، ۹۶ درصد از اختراعات ثبت شده متولدان ایران بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲/۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ از سوی ایرانیان مقیم خارج از کشور ثبت شده‌اند که نشان دهنده خروج استعدادها از کشور است. همین آمار در مورد کشور چین فقط ۱۷ درصد و هند ۴۸ درصد است. (اکونومیست، ژوئیه ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ / ۱۳۸ تا ۱۳۹۵)

از فردای استقرار و تحکیم نهادهای حکومتی فشارها بر مخالفان و دگراندیشان آغاز گشت و عرصه برای فعالیت‌های علمی، فرهنگی، و اجتماعی نخبگان تنگ شد. حکومت با اعلام علنی سیاست‌های «تقدم تعهد بر تخصص» یا «انقلاب فرهنگی»، دستگاه‌های اداری تفتیش عقاید را تاسیس و «اسلامی» کردن تمامی شئون اجتماعی را آغاز کرد. در روند انقلاب فرهنگی هزاران دانشجو و صدها استاد دانشگاه‌ها «پاکسازی» شدند. اداره گزینش مراکز تحقیقاتی، مراکز برنامه‌ریزی علمی و نیز دانشگاه‌ها، به‌طور کامل جلو ورود دانشجویان ممتاز یا فارغ‌التحصیلان ممتاز دانشگاهی را به‌جرم مکتبی نبودن گرفت. وضعیت به مرحله‌ای رسیده بود که حتی کارآموزی دانشجویان ممتاز که به مراکز تحقیقاتی از طرف دانشگاه‌ها معرفی شده بودند از زیر تیغ مصاحبه ایدئولوژیک باید می‌گذشتند و به‌همین علت بسیاری از دانشجویان ممتاز رشته‌های علوم پایه، مهندسی، و علوم کاربردی در ترم‌های آخر از ورود به مراکز تحقیقاتی منع شدند. آمار زیر خروج دانش‌آموزان و دانشجویان ممتاز در سال‌های اخیر را به‌دلیل همین محدودیت‌ها نشان می‌دهد:

بنیاد ملی نخبگان ایران اعلام کرد ۳۰۸ نفر از دارندگان مدال المپیاد و ۳۵۰ نفر از برترین‌های آزمون سراسری از سال ۸۲ تا ۸۶ به خارج مهاجرت کرده‌اند. (بهار، ۱۳ خردادماه ۱۳۹۷)

بنا بر آمار رسمی در سال ۱۳۹۱ حدود ۱۵۰ هزار دانشجو تقاضای خروج از کشور را کرده‌اند که بیش‌ترشان دانشجوی دوره دکترا بودند. خروج این شمار از دانشجویان معادل ۱۵۰ میلیارد دلار خسارت به ایران وارد می‌کند. همچنین ۶۴ درصد دانش‌آموزان ایرانی مدال‌آور المپیاد طی ۱۴ سال گذشته از ایران مهاجرت کرده‌اند. (دویچه‌وله، ۱۴ فوریه ۲۰۱۵ / ۱۳۹۴)

در سال ۱۳۹۱ هفته‌نامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ایران نوشت: «از ۱۲۵ دانش‌آموز ایرانی که ظرف ۳ سال گذشته در المپیادهای جهانی کسب رتبه کردند، ۹۰ نفر آنان هم‌اکنون در آمریکا مشغول تحصیل هستند». (دویچه‌وله، ۲۲ فوریه ۲۰۱۰ / ۱۳۸۹)

حمید گورائی، رییس پژوهشکده رویان جهاد دانشگاهی، نیز هشدار داد «دانشمندان رشته سلول‌های بنیادین ایران هر روز بیش‌تر از گذشته جذب کشورهای عربی و دیگر نقاط جهان می‌شوند».

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی هشدار داده که نتیجه این خروج خالی شدن «ایران از ژن‌های باهوش» است. (خبر آنلاین، ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۲)

فرار نیروی متخصص و تحصیل‌کردگان از ایران، کمبود فوق‌العاده‌ای را در عرصه نیروی کار مفید و متخصص ایجاد می‌کند که به‌این زودی‌ها جبران آن امکان ندارد. نیروئی که با دسترنج مردم زحمتکش میهن‌مان تربیت شده‌اند و زمانی‌که باید از آنان برای سازندگی کشور استفاده شود به‌دلیل سیاست‌های خانمان‌سوز مجبور به ترک میهن می‌شوند. سیاست‌های جمهوری اسلامی در برخورد با این معضل بزرگ اجتماعی همانند برخورد با دیگر مشکلات اجتماعی همراه است با لاپوشانی ریشه این معضل یا انکار آن به‌طور کلی یا دادن شعارهایی پوچ و بی‌محتوا که جز تشدید این معضل نتیجه‌ای به‌همراه نداشته‌اند.

به‌عنوان مثال، «بنیاد ملی نخبگان» به‌نقل از پایگاه خبری تحلیلی فناوری و نوآوری، رسماً با دروغ اعلام کردن آمار مربوط به فرار مغزها اعلام می‌کند به کسی که ادعای فرار مغزها را اثبات کند یک میلیارد جایزه می‌دهد. زهی بی‌شرمی! تیتز مطلب این است: «گزارشی دربارهٔ شایعه‌ها و ادعاهای اثبات نشده / جایزه یک میلیارد ریالی برای اثبات ادعای فرار مغزها در ایران/ چند می‌گیری راستشو بگی؟» (بنیاد ملی نخبگان، ۹ دی‌ماه ۱۳۹۶)

خانلری نماینده و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، در مطلبی با ادعای این‌که نخبه‌ها به‌اندازه کافی حس وطن‌پرستی ندارند تا با مشکلات دیگری که باعث نارضایتی آنان و موجب فرارشان می‌شود مقابله کنند و باید آگاهی ملی جوانان را بالا برد، می‌گوید: «نمی‌شود وطن‌دوستی و حُب وطن فقط مربوط به غیرنخبه‌ها باشد بلکه آنها هم باید این حس را داشته باشند؛ اگر قرار باشد نخبگان منتظر باشند تا بعد از فراهم شدن تمام شرایط مادی و مالی و روانی و اجتماعی در کشور بمانند، این امر پیشرفتی را عائد کشور نخواهد کرد بلکه فداکاری مهم است؛ همچنانکه جوانان ما در دوران جنگ تحمیلی این فداکاری‌ها را کردند.» عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی افزود: «این فداکاری همیشه به صورت جبهه و جنگ نیست بلکه باید در عرصه علم هم صورت گیرد؛ کمالینکه نخبگانی هستند که علیرغم تمام مشکلات آموزشی و تجهیزاتی و مالی در کشور می‌مانند و سعی دارند مثمر‌تر باشند؛ بنابراین باید این آگاهی داده شود و این بحث، امری ایدئولوژیک است.» (خانه ملت، ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۷)

فرهاد فلاحی، عضو دیگر کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، دلیل خروج مغزها را مقررات دست‌وپاگیر اعلام می‌کند. فلاحی با اشاره به اینکه اولین کار در امر جذب نخبگان این است که دولت باید مقررات‌زدایی کند، تصریح کرد: «مقررات دست‌وپاگیر زیادی داریم یعنی اگر یک جوان نخبه صاحب یک ایده باشد و بخواهد آن را ارائه دهد کلاف سردرگم سیستم اداری وی را پشیمان می‌کند. مشکل دیگر نیز خلأهای قانونی است که ممکن است باعث شود نتوانند با این نخبه قرارداد ببندند یا تشویقات لازم را داشته باشند.» (خانه ملت، ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۷) او «رامحل» را در وضع قوانینی در مجلس می‌داند که امکان بسترسازی برای ورود نخبگان به عرصه‌های مختلف علمی را آماده سازد! او می‌گوید: «دولت یک لایحه ویژه باید برای بسترسازی ورود نخبگان به عرصه‌های متعدد علمی به مجلس ارائه دهد تا بتوانیم آن را به شکل قانون در آوریم و با برطرف کردن مشکلات از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم.» (همان‌جا)

عضو دیگر کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس جواد ساداتی‌نژاد که در ضمن عضو فراکسیون ولایی نیز است، مشکل اصلی را در نتوانستن جذب نخبگان می‌داند و پیشنهاد می‌کند: «برای ماندگار شدن و در نتیجه استفاده از استعداد و ظرفیت نخبگان باید برنامه‌ریزی‌های لازم انجام شود.» او معتقد است بنیاد علمی نخبگان برای تحقق این هدف ایجاد شد و خاطرنشان کرد: «از جمله وظایف تمام مسئولان حمایت از بنیاد علمی نخبگان و معاونت علمی و فناوری است زیرا هرچه از این دو نهاد حمایت بیش‌تری شود به ماندگاری نخبگان کمک بیش‌تری شده است.»

قاسم احمدی لاشکی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، در اعترافی روشن به سیاست‌های خانمان‌سوز حکومت‌شان در ایجاد زمینه‌های فرار مغزها، در مورد مهاجرت نخبگان از کشور به «خانه ملت» گفته است: «متأسفانه نتوانستیم شرایط را در کشور به‌گونه‌ای مهیا کنیم که شاهد خروج نخبگان از کشور نباشیم.» (خانه ملت، ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۸) در همان مقاله آمده است: «فرار مغزها برای ایران و کشورهای جهان سوم به تراژدی غمگینی تبدیل شده است که متأسفانه کشور ما در این آسیب، بحران، پدیده نو و یا هر اسمی که بر روی آن می‌گذارند عقب نمانده و رتبه‌های نخستین را به خود اختصاص داده است و تا کنون فکری برای پایان دادن این قصه غمگین صورت نگرفته است.»

در جای دیگر همین مقاله سهیلا جلودارزاده، نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، مهاجرت نخبگان را اتفاق دردناکی می‌داند و می‌گوید فرار نخبگان یکی از دردناک‌ترین اتفاقاتی است که می‌تواند برای یک کشور روی دهد. خروج نیروی‌های متخصص در سایه بی‌توجهی نهادها و سازمان‌های مربوطه به چند مسئله اساسی اشاره دارد؛ اشتغال و دست‌مزد و ارزشی که کارفرما برای نیروی کار فعال قائل می‌شود، همه از دلایل مؤثر خروج نخبگان از کشور هستند. برخلاف نرخ بالای سواد و تحصیلات دانشگاهی در ایران از جمله آمار بالای دختران دانشجو و فارغ‌التحصیل از مراکز آموزش عالی، مناصب دولتی و کلان مدیریتی در اختیار گروه اقلیتی از افراد مورد تایید حکومت است که عمدتاً از سواد و تخصص لازم برخوردار نیستند.

شیوه اداره کشور و آنچه مقام‌های سیاسی در رقابت با یکدیگر از آن با عنوان «سوءمدیریت» عنوان می‌کنند باعث بروز مشکلات عدیده و ابر بحران‌ها در ایران از جمله بحران آب، تورم، بیکاری و افزایش فساد مالی شده به طوری که در کمتر روزی، ایران شاهد اعتراض گروه‌های صنفی به مشکلات مدیریتی و معیشتی است. مقابله با شیوع ویروس کرونا و ناکامی در واکسینه کردن شهروندان در برابر بیماری کووید-۱۹ از دیگر علانم سوءمدیریت است.

بی‌تردید چنین روندی در دراز مدت صدمه‌هایی جبران‌ناپذیر به اقتصاد، جامعه، سطح دانش و هنر و فرهنگ کشور وارد می‌کند و تا زمانی که آزادی و فرصت‌ها، امکانات لازم اجتماعی و اقتصادی برای دانشجویان و نیروهای متخصص فراهم نشود، این جریان همچنان ادامه خواهد یافت. این یک مسئله جدی در پیش روی جامعه‌های واپس‌مانده به لحاظ اقتصادی، سیاسی، و ارتجاعی و محروم از آزادی‌های مدنی است. جامعه ما در این موردها یکی از کشورهای شاخص در سطح جهان است.

سرکوب‌ها و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، نبود آزادی عمل در عرصه‌های علمی و زمینه‌های تخصصی و محدودیت‌هایی که به‌طور پیوسته دامنه آن تغیر می‌کند به همراه چشم‌انداز اقتصادی بی‌ثبات و آینده مبهم از دلایل کاهش امید به تغییرات فراگیر در ایران و از عوامل افزایش مهاجرت توصیف می‌شود.

اکنون جامعه ما در چنگال خونین دیکتاتوری و سرمایه‌داری با افکار و سنت‌های عقب مانده و قرون وسطایی مذهبی اسیر است. وجود میلیون‌ها تن بیکار، فقر و محرومیت ده‌ها میلیون نفر از شهروندان، اقتصادی به‌طور عمده وارداتی و تک‌محصولی، ویرانگی تولید و صنایع پایه‌ای، محرومیت اکثریت عظیم جامعه از حقوق و آزادی‌های مدنی و دمکراتیک، نقض خشن حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی و زنان، عوام‌فریبی و ترویج خرافه، فساد نهادینه شده در دستگاه اداره کشور و توسل به زور و سرکوب برای ادامه بقای حکومت است. تنها راه جلوگیری از فرار مغزها، تغییرات اساسی در نظام سیاسی کشور از طریق طرد کلیت جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه‌ای براساس آزادی و برابری و

عدالت اجتماعی است و این هدف برآورده نمی‌شود مگر با همکاری همه نیروهای آزادی‌خواه و برابری‌طلب و عدالت‌جو و جنبش‌های اجتماعی در ایجاد جامعه‌ای با دخالت مستقیم مردم است.

یکشنبه چهاردهم آذر [قوس] ۱۴۰۰ – پنجم دسمبر ۲۰۲۱